



## بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت - 6 شهریور / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه‌ی امروز بسیار جلسه‌ی خوبی بود. امیدواریم خداوند متعال به تلاشها و نیت‌های صادقانه و اظهارات دلسوزانه برکت بدهد و این جلسه بتواند به همه‌ی ما - به ملت‌مان، به دولت‌مان، به مسئولین‌مان - کمک کند که راه بسیار پرافتخار و البته دشوار را که در مقابل داریم، بسهولت طی کنیم.

من اولاً هفته‌ی دولت را که مزین به یاد دو شهید بزرگوارمان هست، گرامی میدارم و به دولتمردان محترممان تبریک میگویم. یاد این شهیدان را که حقاً و انصافاً در یک دوره‌ی دشواری کارهای مهمی را شروع و ابداع کردند و احیاناً پیش بردند، گرامی میدارم و از خداوند متعال علو درجات آنها و بقیه‌ی شهدا را مسئلت میکنم.

همچنین لازم میدانم در این مناسبت، علی‌العجاله از مردم عزیزمان که در روز جمعه در راهپیمائی روز قدس، شکوهی را از خودشان نشان دادند و عظمتی را تجسم بخشیدند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری کنم. حقاً و انصافاً امسال روز قدس یک نماد بود از حضور ملت ایران و انگیزه‌ی ملت ایران؛ همان چیزی که امید را در فضای منطقه میپراکند و ملتها را وادار به استقامت میکند.

همچنین لازم میدانم از خدمات دولت تشکر کنم، که بخشی از آن خدمات امروز گفته شد. به مناسبت این گزارشها، من این را به برادران و خواهران محترم و عزیز که اینجا تشریف دارید، عرض بکنم؛ من خودم از آقای رئیس‌جمهور درخواست کردم که وزرای محترم یک در زمینه‌های مربوط به خودشان گزارش بدهند. خوب، این جلسه، جلسه‌ی خوبی بود؛ گزارشهای شما هم گزارشهای خوبی بود؛ مستند و منطقی و متکی به آمار، و در موارد متعدد، آمار مقایسه‌ای؛ که همه‌ی اینها لازم است و باید انجام میگرفت و باید انجام بگیرد.

نکته‌ای که من میخواهم اضافه کنم، این است که در ملاقاتهای متعددی که من با نخبگان و زیدگان کشور - دانشگاهی، حوزوی - در سطوح مختلف دارم، مکرر از شما مسئولان محترم گله میکنند که اینها در بین ما نمی‌آیند و ما در این زمینه‌ها صحبت نمیکنند. این اشکال بر شما وارد است. من چند روز پیش هم در دیدار اساتید دانشگاه همین را مطرح کردم. آنها بارها به من گفتند، در آن جلسه هم گفتند؛ من هم مطرح کردم.

خوب، جلسه‌ی امروز عمدتاً حول و حوش مسائل اقتصادی دور میزند؛ که اتفاقاً مسئله‌ی اصلی و محوری کشور همین است و یکی از نقاط مهم چالشی که بین مسئولین در سطوح مختلف وجود دارد و بین بعضی از کسانی که معترضند یا منتقدند، همین مسئله‌ی اقتصاد است. خیلی خوب، این را ببرید در مجموعه‌ی نخبگان؛ تشریح کنید، توجیه کنید، بیان کنید. فرض بفرمائید وزیر محترم اقتصاد یا رئیس کل بانک مرکزی وقتی که در جمع بزرگی از دانشگاهیان بروند، ممکن است در بین سؤالاتی که انجام میگردد یا انتقادهائی که میشود، احیاناً سؤالاتی جهت‌دار و انتقادهای دارای علل غیر فنی هم وجود داشته باشد؛ باشد، اشکالی ندارد. شما بروید؛ نگاهتان در آن صد نفر یا دویست نفر یا پانصد نفری که حضور پیدا میکنند، به ده نفری که احیاناً ممکن است اینجوری فکر کنند، نباشد. از پانصد نفر، به آن چهارصد و نود نفر دیگر توجه داشته باشید و حرف‌هایتان را بزنید. احیاناً ممکن است برخی از انتقادهای صورت بگیرد که برای شما مفید باشد. یعنی در زمینه‌ی کارهای زیربنائی، در زمینه‌ی کارهای اقتصادی، در زمینه‌ی مسائل مربوط به کار و اشتغال و غیره، این هم‌افزائی به وجود خواهد آمد. به نظر من این کار، کار لازمی است؛ من توصیه‌ام این است.

درخواست ما این است که این جلسه با تفصیلهای منتشر شود؛ یعنی دانه دانه این گزارشهایی که دوستان، وزرای محترم یا معاونین محترم رئیس‌جمهور دادند، منعکس شود تا مردم اینها را بشنوند؛ لیکن من به شما بگویم، این آمارهای رقمی و عددی در ذهن متعارف مردم باقی نمیماند؛ خواص و اهل فن بیشتر از این آمارها استفاده



میکنند و روی آنها محاسبه میکنند و نتیجه‌گیری میکنند. خب، سراغ اینها بروید، اینها را در میان بگذارید و مطرح کنید. اینها احياناً بازخوردی خواهد داشت؛ ممکن است اشکالی بکنند، اشکال واردی هم باشد؛ این به شما کمک خواهد کرد. من این توصیه‌ی مؤکد را دارم. فقط هم منتظر نشویم که رئیس‌جمهور این کار را بکند؛ وزرا هم میتوانند این کار را بکنند. البته اگر چنانچه خود رئیس‌جمهور محترم هم در مجامع نخبگانی حضور پیدا کنند و اینها را مطرح کنند، بسیار خوب است.

اما من دو سه تا تذکر عرض میکنم، که اینها تذکرات همیشگی ما به شماست و تأکید میکنم. شعارهای دولت نهم و دهم شعارهایی بود و هست که این شعارها برای مردم مؤمن ما جاذبه دارد؛ مثلاً عدالتخواهی، یا استکبارستیزی، یا ساده‌زیستی و مقابله‌ی با منش اشرافیگری، یا مقابله‌ی با ویژه‌خواری و سوء استفاده‌ی از ارتباطات در مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی، یا خدمت‌رسانی صادقانه. و من عرض بکنم، شما هم این را میدانید؛ علت اقبال مردم به دولت و به رئیس‌جمهور - چه در سال 84، چه در سال 88 - این شعارها بود. یعنی مردم به این شعارها دلبسته‌اند و نیاز به آنها و ضرورت آنها را احساس میکنند. از این شعارها دست برندارید. از جمله‌ی اساسی‌ترین شعارها، پایبندی به اصول و ارزشهایی بود که امام بزرگوار ما اینها را وارد جامعه کرد و مطرح کرد؛ که اتفاقاً در دنیا هم عامل رشد علاقه‌مندی به انقلاب اسلامی، همین شعارها بود. یعنی بدون اینکه ماها ابزار تبلیغاتی‌ای داشته باشیم، یا شیوه‌های تبلیغاتی کافی را بلد باشیم و به کار بگیریم، عنوان و محبوبیت امام بزرگوار ما در بین ملت‌ها و در سراسر دنیا ساری و جاری شد؛ این به خاطر همین شعارها و به خاطر همین رویکردها و جهتگیری‌ها بود. خود این هم که شما در مقابل قدرت فائقه‌ی ظاهری استکبار - که امروز مظهرش آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و جهانی است - می‌ایستید، ارزش ایجاد میکند؛ خود این محبوبیت ایجاد میکند؛ خود این در دل ملت‌ها امید به وجود می‌آورد و پرورش میدهد؛ این را نباید از دست داد. مراقب باشید در روشها، در اظهارات، در نوع برخورد، در نوع عملکرد، از این شعارها تجاوزی صورت نگیرد.

کار را برای خدا بکنید. نه اینکه چون مردم دوست دارند، این کار را بکنید؛ نه. اگر هدف این شد که دل مردم را به دست بیاوریم، ناکام خواهیم ماند. «لأقطننّ امل کلّ عامل غیری»؛ این حدیث قدسی است، که در ذهنم اینجور است که با سند معتبری از قول خدای متعال نقل شده که فرموده: من قطعاً امید آن کسی را که به غیر من امید ببندد، قطع خواهم کرد. ما باید امیدمان به خدا باشد، برای خدا کار کنیم؛ منتها میدانیم که کار برای خدا جاذبه دارد. این شعارها، شعارهای الهی است. اگر چنانچه این پایبندی‌ها سست شود، اگر نسبت به این شعارها تقید و پایبندی کم شود، توفیقات الهی هم سلب خواهد شد. بسیاری از این موفقیت‌هایی که شما در میدان عمل دارید، و از اول انقلاب تا امروز هرچه که موفقیت بوده، به خاطر این است که توفیقات الهی شامل حال بوده و این کمک الهی است. اگر کار برای خدا نباشد، این موفقیت‌ها از ما گرفته خواهد شد. همان شور و نشاط و تلاش و خدمت صادقانه و بدون توقع مزد و منت باید ادامه پیدا کند. این يك نکته‌ی اصلی است.

نکته‌ی دوم: آن روز هم من در مجموعه‌ی مسئولین کشور گفتم نقاط قوت را برای مردم بیان کنید، نقاط ضعف خودتان را هم بیان کنید؛ این مهم است، این تأثیر میگذارد. امروز مثلاً در بین گزارشهای دوستان، من مواردی را دیدم که به نقطه‌ی ضعف اشاره کردند؛ منتها با این بیان که «این کارها باید انجام بگیرد». این «باید» نشان دهنده‌ی نیاز به کاری است که باید بشود و نشده. این را صریح بگوئید. بگوئید این کار را باید میکردیم، تا حالا نتوانستیم بکنیم. کسی بر اساس نتوانستن، کسی را مؤاخذه نخواهد کرد. میگوئید خب، در قبال این ده تا کاری که انجام گرفته، این دو تا، سه تا، پنج تا کار هم انجام نگرفته؛ بنا داریم اینها را هم انجام بدهیم. این را بیان کنید، این را صریحاً بگوئید؛ اشکالی ندارد. ترس از این نداشته باشید که فلان منتقدی که احياناً ممکن است مغرض هم باشد، حرفش با حرف شما تطبیق کند؛ خب بکنند، چه اشکالی دارد؟ بگوئید بله، این انتقادی که به ما میکنند، وارد است. این را



مطرح کنید، منتها بگوئید ما تصمیم داریم این را برطرف کنیم. بگوئید این کارها را کرده‌ایم، این کارها را هم خواهیم کرد. این توصیه‌ی من است.

البته در برخورد با انتقادهائی که احياناً در رسانه‌ها و روزنامه‌ها یا بعضی از مراکز قانونی نسبت به دولت انجام میگیرد، دو جور رویکرد میشود داشت: يك رویکرد توجیه و تبیین کننده است، این خوب است؛ يك رویکرد مخاصمه است، این خوب نیست. اینجور نباشد که شما بگوئید چون به دولت حمله میکنند، چون انتقاد مغرضانه میکنند، پس ما هم بایستی اینجوری برخورد کنیم؛ نه، تبیین کنید. بله، تبیین کار لازمی است. راه تبیین هم همین است که در جلسات عمومی با مردم، بیان کنید، روشن کنید؛ سوالات را مطرح کنند، شما جواب بدهید، اینها تبیین میشود؛ در رسانه‌ها هم پخش شود. اگر چنانچه تبیین خوب انجام بگیرد، غرض‌ورزی غرض‌ورزان به جائی نخواهد رسید. يك نکته‌ی دیگر هم که ذیل این مسئله‌ی توجه به ضعفها می‌خواهم عرض بکنم، این است: یکی از ضعفها این است که ما در کارها اولویتها را نبینیم. یکی از آقایان اشاره کردند - که اشاره‌ی درستی است - به این که طرحهای نیمه‌تمام را باید دنبال کنیم. این خیلی خوب است؛ این کار، کار لازمی است؛ من همیشه تأکیدم بر این است؛ منتها مشخص کنید، يك مجموعه‌ی کاری درست کنید، بنشینند واقعاً طرحهای نیمه‌تمام را - حالا يك رقمی هم ذکر کردند که فلان تعداد طرحهای نیمه‌تمام داریم - اولویت‌بندی کنند؛ کدامهايش اولویت‌دار هستند، کدامهايش وعده‌ی بیشتری داده شده یا توقع بیشتری از سوی مردم وجود دارد؛ اینها را مشخص کنید، به آنها پردازید. این را مقدم کنید بر طرحهای جدید. چقدر خوب است که همه‌ی وعده‌هائی که دولت به مردم داده، عمل بشود. اگر چنانچه وعده‌ای به مردم داده بشود و عمل نشود، این مشکلات درست خواهد کرد؛ نه فقط نسبت به دولت، بلکه به نظام. آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند که به ما میگویند شما سطح توقعات مردم را بالا بردید. این بالا بردن سطح توقعات، ناشی از این نیست که شما نواقص خودتان را گفته‌اید، مردم توقعاتشان بالا رفته؛ نه، توقعات با دادن وعده‌ها بالا میرود. اگر ما بتوانیم به این وعده‌ها عمل کنیم، توقعات مردم تبدیل میشود به ایمان و اعتقاد مردم؛ این خوب است. کاری کنیم که آنچه را که گفته‌ایم انجام میدهیم، انجام بدهیم و مردم ببینند که انجام گرفته. امروز دیدم آمارهای شما آمارهای مقایسه‌ای است - که خیلی هم خوب و بجاست - یکی از مقایسه‌ها این باشد: مقایسه‌ی بین آنچه که گفته‌ایم انجام میدهیم و آنچه که تا حالا توانسته‌ایم انجام بدهیم. يك درصد در بیاورید، ببینیم چه جوری است. این خیلی چیز مهمی است.

يك نکته‌ی دیگر، همین مسئله‌ی جهاد اقتصادی است که مکرر مطرح شده، امروز هم دوستان مطرح کردید. مبانی و استدلالهای اعلام «سال جهاد اقتصادی» برای شماها که دولتی هستید، معلوم است. یعنی ما جهاد اقتصادی را يك ضرورت برای کشور میدانیم، نه صرفاً يك اولویت؛ يك نیاز قطعی است. اولاً اقتصاد، پیشرفت اقتصادی، رونق اقتصادی ارتباط مستقیم دارد با معیشت مردم. معیشت مردم جزو اولین اهداف همه‌ی دولتهاست در همه جای دنیا و در همه‌ی دوران تاریخ؛ البته دولتهای علاقه‌مند به مردم؛ آن دولتهای مستأثر و زورگو و جبار، مورد نظرمان نیستند. هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله‌ی معیشت مردم است، که بتواند مردم را اداره کند. خوب، این به اقتصاد وابسته است. يك اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو میتواند وضع زندگی مردم را خوب کند. خوب، این يك دلیل است مبنی بر اینکه لازم است ما در کار اقتصاد مجاهدت کنیم. يك مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی رسیدن به چشم‌انداز است. این چشم‌انداز هدفگذاری شده است، يك سند بالادستی است؛ باید ما این را حتماً رعایت کنیم. بدون جهاد اقتصادی، به چشم‌انداز نخواهیم رسید. در چشم‌انداز، قدرت اول اقتصادی منطقه هم مطرح شده. در این میدان - که میدان مسابقه است - اگر چنانچه عقب ماندیم، ضربه خواهیم خورد. آن روز در آن جلسه هم مطرح شد که مسئله‌ی چشم و هم‌چشمی مطرح نیست؛ مسئله این است که در این چالش عمومی و میدان تحرکات عمومی دولتها در این برهه‌ی از زمان، اگر کسی عقب ماند، پامال خواهد شد.



پیشرفت اقتصادی ما و رسیدن به اهداف چشم‌انداز، به خاطر این است که اگر چنانچه به آنجا نرسیدیم، ملت ما و کشور ما دچار ضربات سختی خواهد شد؛ احیاناً ضربات مهلکی به ما وارد خواهد آمد. باید به آنجا برسیم؛ این نیاز ماست. با شعاری که ما داریم می‌دهیم، با اهداف انقلاب اسلامی، جز این چاره‌ای وجود ندارد. حقیقت این است که نظام اسلامی، امروز نظام استکبار و سلطه و الحاد را به چالش گرفته؛ این یک حرکتی است که آغاز شده. شکست خوردن در این میدان، خسارتهایش غیر قابل توصیف است و مخصوص به ملت ما هم نخواهد شد؛ لذا باید در این میدان قطعاً پیروز شد. این پیروزی با این ابزار ممکن نیست؛ ابزارهای گوناگون دیگری هم لازم است؛ از جمله‌ی آنها، پیشرفت اقتصادی است.

یک مسئله‌ی دیگر هم این است که امروز دشمنان نظام اسلامی و دشمنان ملت ایران از ابزار اقتصادی دارند علیه ما استفاده می‌کنند، که نمونه‌اش همین تحریم‌هایی است که گفته شد. البته لازم است من تشکر کنم از این مجموعه‌ای که در مقابل تحریم‌ها کار میکنند. از همه‌ی روش‌های درست و منطقی و زیرکانه و عاقلانه باید استفاده کرد و استفاده کنید. تحریم‌ها را خنثی کنید. تدبیر دشمن هیکلمند و لیکن در واقع کم‌زور را خنثی کنید. وقتی که ما این حجم عظیم ظاهری نظامی و اقتصادی استکبار را در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم، انسان به یاد گریه‌ی کارتون «تام و جری» می‌افتد! تحرک زیاد و های و هویس زیاد و جشمش بزرگ، اما نتیجه‌ی کارش نه آنچنان که خودش انتظار دارد یا بینندگان انتظار دارند. واقعاً همین جوری است. این به زیرکی شما بستگی دارد.

آنها گفتند تحریم‌های هوشمند یا تحریم‌های فلج‌کننده؛ اما می‌بینیم که این تحریم‌ها نه آنچنان هوشمند بود، نه فلج‌کننده بود. خب، همین تحریم‌ها موجب شد که در بسیاری از چیزهایی که خودکفائی نداشتیم، به خودکفائی برسیم؛ تحرک خوبی را در زمینه‌های علمی به وجود بیاوریم؛ کارهایی بزرگی را در زمینه‌ی تولیدات صنعتی و نظامی و غیرنظامی در کشورمان شاهد باشیم؛ و به راه‌های گوناگونی برای اینکه این تحریم را خنثی کنیم، برسیم. این تحریم‌ها خنثی خواهد شد؛ شما بدانید. اینجور نیست که اینها بتوانند و طاقت بیاورند که این حرکت و این رفتار را مدت طولانی ادامه بدهند؛ این امکان‌پذیر نیست؛ یعنی دنیا این را نمی‌پذیرد. امروز دنیا، دنیائی نیست که به حرف آمریکا گوش کنند؛ ولو حالا نماینده‌ی ویژه‌ی او به فلان کشور برود، مؤاخذه کند، چه کند. حالا یک چند وقتی این ادامه خواهد داشت، اما این قابل ادامه نیست. البته من چند ماه قبل هم گفتم، امروز هم شما مشاهده می‌کنید؛ آن چیزی که اینها در اول امسال گفتند فلج‌کننده، توقع خودشان این بود که در ظرف سه چهار ماه واقعاً به فلج برسد. این سه چهار ماه، بیشتر هم گذشت، به فلج که نرسید، هیچی، بحمدالله به تحرک بهتر ما انجامیده. پس جهاد اقتصادی برای این است. یعنی بایستی ان‌شاءالله یک مجاهدت، یک حرکت هدفمند و هوشمندانه و با توکل به خدای متعال و با اعتماد به حمایت الهی انجام بگیرد.

خب، یک مصداق از این جهاد اقتصادی، همین طرح تحول اقتصادی است که دولت دو سه سالی است این را مطرح کرده. یک بند از طرح تحول اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها بود؛ که خب، بحمدالله قانونش تصویب شد و عملیاتی شده. البته من در زمینه‌ی کمک به تولید سؤال دارم. حالا آقایان در گزارش گفتند؛ لیکن آن چیزی که مصوبه‌ی قانونی بود برای کمک به تولید، تحقق پیدا نکرده. باید به تولید کمک کنید. البته در بلندمدت خود این دستگاه‌های تولیدکننده روی پای خودشان خواهند ایستاد و ان‌شاءالله خودشان خواهند توانست روزبه‌روز قوی بشوند و جواب بدهند؛ اما در کوتاه‌مدت حتماً باید به اینها در موارد لازم تزریق منابع بشود. البته در آنجائی که کسی تقلب میکند، در آنجائی که کسی پول را برای تولید از بانک می‌گیرد، ولی در غیر تولید صرف میکند، بشدت برخورد کنید و ترحم بر پلنگ‌های تیزدندان نکنید؛ اما در آنجائی که نیاز هست، واقعاً بایستی بروید کمک کنید. پس در طرح هدفمندی، این بخش حتماً بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

بخش‌های دیگر طرح تحول هم باید مورد توجه قرار بگیرد؛ یکی‌اش مسئله‌ی گمرک است - که امروز یکی از آقایان در



گزارش خود گفتند لایحه‌اش به مجلس رفته - یکی‌اش مسئله‌ی سیاست‌های نظام پولی و بانکی کشور است. این پنج شش موردی که در طرح تحول وجود داشت، همه‌اش باید انجام بگیرد. کاری کنید که در ظرف مدت باقیمانده‌ی دولت، این کارها سر بیفتند، تا اینکه بتواند ادامه پیدا کند. یعنی نگذارید کار، نیمه‌کاره بماند. این کارها در طول دو سال تمام نمیشود. همین هدفمندی هم مراحل گوناگونی دارد؛ شما شروع کردید، پیش رفتید. همان پیش رفتن، در واقع به یک معنا تمام کردن است. خود شروع کردن، به یک معنا تمام کردن است؛ اگر چنانچه خوب و صحیح و بر مبنای شروع شود.

مسئله‌ی واردات را هم که گزارش دادند، البته جزو نگرانی‌های من است. حالا این گزارش هم هست؛ لیکن آنچه که انسان مشاهده میکند، یک قدری نگرانی‌آور است. درست است؛ ممکن است رشد نسبت واردات به صادرات غیر نفتی ما کاهش پیدا کرده، این رشد کم شده - این خودش چیز مثبتی است - اما به این اکتفاء نکنید. بخصوص در همین زمینه‌های زراعی و باغی و اینها که ذکر کردند، اینها چیزهایی است که بایستی هرچه میتوانیم، از واردات اینها پرهیز کنیم. بروید سراغ همان صنعتی‌سازی صادرات کشاورزی؛ همین چیزی که در گزارشها هم بود. اینها چیزهای مهمی است؛ ان‌شاءالله روی اینها تکیه شود. مردم هم تحمل میکنند و میپذیرند. بنابراین در زمینه‌ی سیاست‌های واردات، یک بازنگری جدی بکنید؛ بخصوص در کالاهایی که ما مزیت تولیدی داریم؛ چه صنعتی، چه کشاورزی. از نگاه بخشی به واردات - که حالا هر بخش دولتی طبق نیازهای خودش دنبال واردات برود - حتماً پرهیز شود.

مسئله‌ی دیگر - که حالا البته این مربوط به مسائل اقتصادی نیست - مربوط به فرهنگ است؛ که امروز گزارشی داده نشد، موکول شد به بعد. آنچه که من لازم میدانم به دوستان دولت توصیه کنم، این است که مسئله‌ی فرهنگ را خیلی جدی بگیرید. اگر چنانچه ما کارهای اقتصادی را - همچنان که در برنامه هست و آرزوهای ما متوجه به آن است - انجام بدهیم، اما در زمینه‌ی کار فرهنگی عقب بمانیم، بدانید کشور لطمه خواهد دید. دشمنان ما یکی از چشمه‌های دشمنی‌شان کار اقتصادی است؛ یک چشمه‌ی مهم دیگر، کار فرهنگی است. البته نه وقت و نه ظرفیت جلسه اجازه نمیدهد که انسان در این زمینه وارد بشود؛ لیکن فی‌الجمله دوستان توجه داشته باشند که کار فرهنگ، کار بسیار مهمی است؛ با ملاحظه‌ی جهتگیری‌های انقلابی و اسلامی. در زمینه‌ی فرهنگ، دچار رودر بایستی نشوید. در همه‌ی شعبه‌های فرهنگی - چه در موضوع کتاب، چه در کارهای هنری، چه در مؤسسات فرهنگی - جهتگیری‌ها را انقلابی و اسلامی قرار بدهید. اولویتها را در اینجا هم ملاحظه کنید، چون منابع بالاخره محدود است. البته مصوبه‌ی دولت در زمینه‌ی بودجه‌ی فرهنگی، مصوبه‌ی خوبی است؛ اگرچه حالا شنیدم که خیلی از مبالغ این مصوبه تخصیص داده نشده؛ حتی اگر همه‌اش هم تخصیص داده شود، باز برای همه‌ی فعالیتهای فرهنگی کافی نیست. بنابراین منابع دچار محدودیت است. با توجه به محدودیت منابع، نگاه کنید ببینید اولویتها چیست. البته من یک مجموعه‌ای را به نحو پیشنهاد به دولت ارائه کردم؛ که اگر این چیزها در کار فرهنگ مورد توجه قرار بگیرد، با توجه به نگاهی که ما در زمینه‌ی فرهنگ داریم، اینها اولویت خواهد داشت؛ یعنی اینها تأثیراتش بیشتر خواهد بود. بله، اینها را باید دنبال کنید تا ان‌شاءالله تحقق پیدا کند.

مسئله‌ی دیگری هم که باز مطرح میشود و من به طور کلی عرض میکنم، این است: با این همه کاری که دولت دارد، سعی کنید دچار حاشیه‌سازی‌های مسئله‌دار نشوید. دولت دارد کار میکند، تلاش میکند، میدان هم برای کار بحمدالله هست، نیاز هم به کار هست. خوب، یک میدان کاری وجود دارد، نیاز فراوانی هم وجود دارد، دولت هم نشان داده که اهل خطرپذیری و وارد شدن در میدانهای کار و با همه‌ی وجود کار کردن و وارد میدان شدن است؛ خیلی خوب، با این اوضاع و احوال، واقعاً شایسته و سزاوار نیست که حواشی‌ای به وجود بیاید؛ حالا چه حواشی‌ای که خود شما گاهی اوقات بی‌توجه به وجود می‌آورید، چه آنهایی که دیگران به وجود می‌آورند و شما هم تسلیم آنها میشوید



؛ از این حواشی باید پرهیز کرد. نگذارید در فضای کشور، در فضای بین دولت و مردم، درگیری‌ها و دلهره‌هایی به وجود بیاید که شماها را از کار باز بدارد.

مسائل گوناگونی مطرح میشود. توصیه‌ی من این است که در زمینه‌ی علاقه‌ی به ایران، علاقه‌ی به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهمترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه‌ی به ایران، اینجوری تحقق پیدا میکند. ما در کشور زبانهای مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبانهای مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه‌ی یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه‌ی زبان فارسی، ترک‌زبانها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض میکنم. ... (1) ان شاء الله کرده‌ام هم مینویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال میکنیم. محققین برجسته‌ی ترک‌زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات را در زمینه‌ی زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود.

یا روی ایران بعد از اسلام تکیه شود. افتخاراتی که ایران دوره‌ی اسلامی دارد، در هیچ دوره‌ی دیگری از دوره‌های تاریخی ما این افتخارات وجود ندارد؛ من این را با استدلال به شما عرض میکنم و این قابل اثبات است. گسترش کشور، پیروزی‌های بزرگ نظامی کشور، پیشرفتهای عظیم علمی کشور در زمینه‌های گوناگون، همه‌اش مال دوره‌های بعد از اسلام است. نه اینکه قبل از اسلام از این چیزها ندارد؛ چرا، اما نسبت به دوره‌ی اسلامی، آنها ناقص است، کم است. البته یک چیزهایی به عنوان گفته‌ها مطرح میشود، اما چیزهایی نیست که مستند باشد و کسی بتواند آنها را اثبات کند؛ اینها قابل اثبات نیست. اما آنچه که در دوره‌ی اسلامی واقع شده، قابل اثبات است؛ روشن است. شما نگاه کنید ببینید پیشرفت نظامی و علمی و فرهنگی ایران در دوره‌ی دیلمی‌ها، در دوره‌ی سلجوقی‌ها، بعدها در دوره‌ی صفویه، و حتی در این وسط، در بخشی از دوره‌ی حاکمیت مغول چگونه است. مغولها به ایران که آمدند، ایرانی شدند و تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار گرفتند؛ کما اینکه به هند که رفتند، هندی شدند. چه کارهای برجسته و عظیم علمی و فرهنگی و هنری در این دوره انجام گرفته. اگر کسی میخواهد از ایران و ایرانی‌گری حمایت کند، خوب، ایران دوران اسلامی، هم مدون‌تر است، هم مستندتر است، هم قابل قبول‌تر است، هم جلوی چشم است؛ کتابش جلوی چشم است، معماری‌اش جلوی چشم است، نشانه‌های علمی‌اش جلوی چشم است؛ تاریخش تدوین شده و روشن است.

نکته‌ی آخر هم - که دیگر ظاهراً به اذان داریم نزدیک میشویم - این است که مسئله‌ی همکاری قوا را حل کنید. من هم غالباً به قوا سفارش میکنم؛ اما حالا شما که قوه‌ی مجریه هستید و اینجا حضور دارید، به شما باید سفارش کنم. هرچه میتوانید، در آن جاهایی که میشود کوتاه آمد، کوتاه بیایید؛ چه اشکالی دارد؟ آنجائی که میشود تبیین کرد، تبیین کنید. آنجائی که میشود با ایجاد ارتباطات دوستانه، مسئله را حل کرد، اینجوری حل کنید. چرا من اینقدر بر تشکیل جلسه‌ی رؤسای قوا اصرار میکنم؟ وقتی که جلسه‌ی رؤسای قوا تشکیل بشود، خیلی از این مشکلات حل میشود. در جلسات روبه‌رو، با همدیگر می‌نشینند حرف می‌زنند؛ این کار خیلی از مشکلات را حل میکند؛ این تجربه‌ی ماست از گذشته. گیرم که حالا برخی از راه‌های گوناگونی هم که دوستان رفتند، به نتیجه نرسیده باشد؛ اما خوب، راه‌های دیگری وجود دارد. بالاخره اختلاف سلیقه‌ها یا اختلاف برداشتهای از قانون را اینجوری باید حل کرد. کاری کنید که این ارتباط، ارتباط صمیمانه‌ای بشود. اگر چنانچه یک رفتاری را مشاهده میکنید که این رفتار را از آن طرف دیگر نمی‌پسندید، یک مراجعه هم به خودمان بکنیم، ببینیم آیا ما در آن فضای سنگینی که اشاره میشود، مثلاً تأثیری داشته‌ایم یا نداشته‌ایم. مراقبت بکنیم؛ اگر ما تأثیر داشتیم، آن را برداریم.

من مسئولین محترم را، شماها را، رؤسای قوا را و یکایک فعالان مسائل کشور را دعا میکنم. ان شاء الله خدای متعال توفیقاتش را بر شماها زیاد کند تا بتوانید کارهایی را که انجام دادن آنها از شما توقع میرود، به بهترین وجهی انجام



بدهید. نیتها را خالص کنید، با صمیمیت و صفا وارد میدان کار باشید و نگذارید این تلاش و کوششی که الحمدلله به آن شناخته شدید، اندکی کاهش پیدا کند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

1) یکی از مسئولین: کردها هم همین طورند.